

زندگی تدبیر است یا تقدیر؟ جبر است یا اختیار؟



انتشارات پیوسته

۱۳۹۴





سرشناسه : باکراد، محسن، ۱۳۱۹ -

عنوان و نام پدیدآور : زندگی تدبیر است یا تقدیر؟ جبر است یا اختیار؟ / محسن باکراد.

مشخصات نشر : تهران: پارس، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری : ۱۳۶ ص.؛ مصور؛ ۵/۵×۱۲/۵؛ ۲۷/۵ س.م.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۹۱-۵۱-۵

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : داستان های فارسی - قرن ۱۴

رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ و ۹۷۶۷ / کتب / PIR۷۹۸۱

رده بندی دیویی : ۸۵۳/۶۲

شماره کتاب شناسی : ۲۹۹۷۶۲۶





انتشارات پیوسته

تلفن: ۰۹۱۲-۳۲۳۵۵۲۵

نام کتاب: زندگی تدبیر است یا تقدیر؟

هبر است یا اختیار؟

نویسنده: محسن پاکزاد

حروف چینی و صفحه آرایی: ابوالفضل خداپرست

لیتوگرافی: نوید چاپ: احمدی صحافی: کتب (سبزواری)

چاپ اول: ۱۳۹۴ تیراژ: ۱۱۳۰۰ قیمت: ۶۵۰۰ تومان

طرح و اجرائی رایانه: محمد وفایی

ویراستار: ابوالفضل خداپرست

ناشر: انتشارات پیوسته

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

ISBN: 978-964-7091-51-0

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۹۱-۵۱-۰۰

Email: PayvastehPublications@yahoo.com



WWW: PayvastehPublication.Blogfa.com

فهرست

۹	انگیزه نوشتن این کتاب
۱۱	مقدمه
۱۳	زهرایا زری
۲۱	اشکها بر گونه‌ها
۳۳	تابلوی فتاشی
۳۹	کریم آقا حجار
۴۵	در جستجوی پدر
۵۳	خرافات یا واقعیت
۵۹	امیر پسر آغابیکم
۷۵	گل‌های شقایق
۸۳	عزیزالله خان
۸۹	دزد جوانمرد
۹۹	آشتی در خواب
۱۰۹	سرگذشت گلنار
۱۱۹	بازگشت به شادی
۱۲۵	عاقبت به خیر

دوست داشتم...

پروانه می بودم و بر فراز دشت های سرسبز و پر بام گل ها پرواز
می کردم...
سر پر پالش شقایق ها می گذاشتم و پر لب های گلگون آن پوسه
می زدم و در رویایی پی پایان معشوق را در آغوش می گرفتم و به
خواب ابدی می رفتم...
تا در آنجا عشق جاودان را ببینم. آنجا که سرزمین عشق و
خوبی هاست...

ای کاش پروانه می بودم.....

انگیزه نوشتن

این کتاب.....



اوایل سال ۱۳۵۷ بعد از اتمام تحصیلاتم در امریکا به ایران بازگشتم. در آن زمان اتومبیلی را که داشتم از امریکا به انگلیس فرستادم. پس از ترخیص اتومبیل در جنوب انگلیس با عبور از تنگه مانش به وسیله کشتی وارد فرانسه شدم و بعد از عبور از کشورهای فرانسه، بلژیک، آلمان و اتریش در عبور از کشور یوگسلاوی، در فاصله صد و بیست کیلومتری مرز بلغارستان علی‌رغم همه وقت‌هایم در رانندگی، حفظ قوانین رانندگی و خطرات جاده‌ای با یک کامیون هجده چرخ شاخ به شاخ شدم که در آن تصادف هفت اتومبیل به یکدیگر برخورد و هشت نفر با کمال تأسفکشته شدند که شرح کامل حادثه از حوصله این نوشته در اینجا خارج است.

بعد از آن تصادف دلخراش چندین روز را در بیمارستان به حالت کما به سر بردم و پس از بیست و هشت روز تازه متوجه آن تصادف شده و خلاصه از حضور خود در زندان کمونیستی آن زمان مطلع گشتم. پس از خروج از بیمارستان و زندان و بازگشتم به ایران و خلاصه بازیافت سلامتی خودم، این حادثه و علل آن را زیر سؤال بردم و دنبال علت و معلولی می‌گشتم و در ذهن خود با اگرها و مگرها و چراها گفتگو می‌کردم. خلاصه در خواب و بیداری، خلوت و تنهایی گاهی از خود می‌پرسیدم ضعف تجربه و تدبیر بوده؟ یا قصور و تقصیر؟

یا هیچ یک. در سال‌های بعد حداقل برای ارضای روح خویش وارد جهانی از تدبیر و تقدیر و خلاصه جبر و اختیار شدم.

به دنبال آن قلم را روی کاغذ آوردم و بدون توجه به ادبیاتی آن چنانی، شروع به نوشتن این کتاب کردم. امید است عنوان کتاب «زندگی تقدیر است یا تدبیر؟ جبر است یا اختیار؟» با اهداف همسو بوده باشد و نکات آموزنده آن مورد توجه عزیزان قرار گیرد.

باید یادآور شوم در زمان نوشتن داستان‌های حقیقی این کتاب از افراد گوناگون در سنین مختلف، زن و مرد شهری و روستایی و خلاصه عارف و عامی پرسیده‌ام که زندگی تقدیر است یا تدبیر؟ یا دو بال یک پرنده؟

حال شما بگویید:

«زندگی تدبیر است یا تقدیر؟»

اما نه با خواندن این مقدمه بلکه بعد از خواندن داستان‌های کتاب!

محسن پاکزاد

مقدمه

حوادث و اتفاقاتی در گذر زمان و زندگی ما انسان‌ها رخ می‌دهد که گاهی علل و علت آن‌ها برای ما سؤال‌آفرین است. انسان موجودی کنجکاو و پرسشگر است. زمانی به سوی تدبیر و گاهی تقدیر را علت هر معلولی می‌داند. شاید بتوان گفت که تقدیر، آب روانی است در یک دشت مسطح که هرگز نمی‌توان جلوی آن را گرفت و ما آن را تقدیر بنامیم و تدبیر میرایی است که جهت آب را به سود مدبر تغییر می‌دهد. از سوی دیگر گروهی که استدلال را قبول دارند، چنین بیان می‌کنند که انسان معمار زندگی خویش است و مسیر خوشبختی یا بدبختی را خود با اندیشه خویش می‌سازد به بیان دیگر بهشت را نمی‌یابیم بلکه بهشت را می‌سازیم، اما در فراسوی تمام اندیشه‌ها، اتفاقات ناخواسته‌ای رخ می‌دهد که از دایره تصور ما خارج است و بسیاری هم مجموع این اتفاقات را حکمت می‌نامند در حالی که حکمت خود تعریفی دارد:

«حکمت عبارت است از بیان حقیقت بدون افراط و تفریط»

به هر حال جهان ما؛ مملو از نکات عجیب و غریب است! انسان سیاره‌ما، درگیر معماهای پیچیده‌ای است که شاید تا ابد در حل آن‌ها ناموفق بماند. واژه تقدیر اندیشه‌ای است ازلی و ابدی و شاید یکی از مهمترین موضوعات از هزاران موضوعی باشد که معرفت بشر در شناخت آن ناموفق بماند و آن «موضوع باورها» است. کشورها تبدیل به دهکده جهانی می‌گردد و این نیاز زمان و فرمان تاریخ است. اما با تمام

تغییراتی که بشر در زمینه فرهنگ و علم و تمدن داشته، همچنان باورهای بی منطق و غیر عقلانی او در سراسر جهان راه غلط و غیر انسانی خود را طی طریق می‌کند.

پس با اولین سرگذشت این کتاب به جهان تدبیر یا تقدیر گام بر می‌داریم.

ضمناً یادآور می‌شوم تمام داستان‌ها یا سرگذشت‌های این کتاب حقیقی و خود شاهد آن بوده‌ام، اما به منظور حفظ احترام به حقوق دیگران و هویت و شأن انسان‌ها، اسامی دیگری جایگزین اسامی حقیقی اشخاص شده است. مدت‌ها فکر می‌کردم نقش تدبیر و تقدیر در زندگی چیست؟ بسیاری از معتقدین اهل خرد بر این عقیده هستند که خداوند به انسان ابزاری به نام عقل و تدبیر اهدا کرده که با این حیات خود را اداره کند و بنا به گفته زاهدی این نظریه در کتب آسمانی تأکید و تأیید شده است.

اما گفتگوی تقدیر به قدمت تاریخ است. افسانه‌ای که نیاکان ما بسیار به آن معتقد بوده‌اند. موضوع تقدیر جایگاه خود را نسل به نسل حفظ کرده و شاید جبر و اختیار ما بین تدبیر و تقدیر مناظره‌ای باشد بی پایان....!

راستی شما به کدام یک معتقدید؟ و اصولاً زندگی جبر است یا اختیار؟ تقریباً همه آدم‌هایی که ازدواج می‌کنند، ظاهراً و عملاً خود همسرشان را انتخاب می‌کنند، اما در مسیر زندگی جمله «من تقدیرم این نبود» را به کار می‌گیرند. علت و معلول لباسی دیگر به تن می‌کنند و جایگاهش را به جبر و اختیار می‌سپارد، حتی خود اختیار را هم گاهی جبر تعریف می‌کنند.

محسن پاک‌آزاد